

نگاهی به نشریات طنز و فکاهی سال اول پیروزی انقلاب اسلامی (۷)

عدم کفایت وطن دوستی

بهراد توفیق فر

طنزپزوه



مرحوم کیومرث صابری فومنی (گل آقا) در کتاب امام به روایت دانشوران به بیان خاطره‌ای از شهید رجایی پرداخته و اینگونه از اشک ریختنش یاد کرده است:

یاد زمانی افتادم که رجایی از پنجره اتاق من نگاه می‌کرد. چون مشرف به اتاق بنی‌صدر بود. خدا می‌داند آن جا هم من اشک این مرد را دیده‌ام، هنوز نگفته‌ام، گفته‌ام، فقط برای [شهید] بهشتی من اشکش را دیده‌ام. گریه کرد، گفت: من چه کار کنم از دست این بنی‌صدر که نه تقوا دارد نه دین دارد نه راست می‌گوید. گفتم: رجایی بین این مملکت امام زمان است، اگر ما سقوط کنیم، یعنی اینکه ما هم باطل بوده‌ایم. اگر امام بر حق است این بنی‌صدر سقوط خواهد کرد.

یک روزی دیدم این بنی‌صدر مرتب به رجایی نامه می‌نویسد. گفتم: من باید جوابش را بدهم. رجایی گفت: تو جوابش را چجوری می‌خواهی بدهی؟ گفتم: من می‌نویسم تو امضا کن. او گفت: امام گفته است [برای حفظ وحدت] حرف نزنید. گفتم: امام گفته است حرف نزنید، نگفته است، ننویسید! گفت: ما چه تأویلی بکنیم! امام گفته است آشوب نکنید! خوب حرف زدن همان نوشتن است دیگر. گفتم: آقا، من نامه می‌نویسم، مهر محرمانه می‌کنم، پیش من یک نسخه می‌ماند، پیش او [بنی‌صدر] یک نسخه می‌ماند. ما پنجاه سال دیگر جواب تاریخ را چه جوری بدهیم؟ همه می‌گویند او [بنی‌صدر] در روزنامه انقلاب اسلامی نوشت کسی جوابش را نداد، ما پنجاه سال دیگر می‌گوییم: مردم ما جوابش را دادیم و بنا بر حرف امام آن را نگه داشتیم. رجایی گفت: بنی‌صدر این را چاپ خواهد کرد! [درعین حال که محرمانه است] گفتم: این مشکل خودش است. به هر حال نامه‌ها را که بعدا مکاتبات شهید رجایی شد نوشتیم و من کتابش کردم. (کتاب امام به روایت دانشوران؛ ص ۲۱۸-۲۲۰)

با عزل بنی‌صدر از ریاست جمهوری و حکم به عدم کفایت سیاسی وی توسط نمایندگان مردم در مجلس، بهلول هم آخرین شماره‌های خود را به دکه‌های مطبوعاتی فرستاد و دیگر منتشر نشد. آخرین شماره بهلول که شماره ۹۰ را روی جلد داشت، در ۳۱ خرداد ۱۳۶۰ به چاپ رسید.

میان بنی‌صدر، نخست‌وزیر و مجلس شورای اسلامی و بلا تکلیف ماندن برخی وزارتخانه‌های مهم مانند وزارت امور خارجه و وزارت دفاع، بنی‌صدر با طرح شعار «بن بست» و «فراندم» حرکت تندتری را برای خارج کردن نیروهای انقلابی و دلسوز از صحنه و رسیدن به خواسته‌هایش آغاز کرد. وی تأکید داشت کشور به بن بست رسیده و سالم‌ترین راه بدون بحران! این است که همه موافقت کنند تا به آرای عمومی مردم مراجعه شود. صدا البته از او بدیهیاتی چون این که هنوز کمتر از دو سال از رأی ۹۹ درصدی مردم به نظام جمهوری اسلامی، حضور و رأی بالای مردم در انتخابات مجلس شورای اسلامی و قانون اساسی و حتی ریاست‌جمهوری، گذشته است حرفی نمی‌زد و همه را عمداً به فراموشی می‌سپرد. گذشته از این، مردمی که در میدان، درگیر جنگ با دشمن تا دندان مسلح یعنی و آوارگی و شهادت و کمبودهای مختلف زندگی خود بودند نیز توسط بنی‌صدر و همفکرانش نادیده گرفته می‌شدند.

علی‌رغم همه این‌ها، روزنامه‌های نهضت آزادی (متعلق به مهدی بازرگان و ملی‌ها) و نشریه رنجبر (ارگان گروهی از کمونیست‌ها) با همراهی نشریاتی چون بهلول، از بحران‌سازی مصنوعی بنی‌صدر و پیشنهاد فراندوم استقبال کردند، بدون آنکه به مردم توضیح دهند دقیقاً درباره چه، با کدام هدف و برای تصمیم‌گیری درباره کدام موضوع بلا تکلیف، باید فراندوم عمومی برگزار شود.

حضرت امام (ره) با توجه به وضعیت اسفبار جبهه‌های جنگ و محاصره و اشغال بخش زیادی از خاک ایران، بیش از این مدارا را جایز ندانسته و طی سخنانی، بنی‌صدر و همفکرانش را دچار بن بست خواندند و فرمودند مملکت اسلامی به بن بست نمی‌رسد. هیئت حل اختلاف با حضور نمایندگان همه جناح‌ها و نهادها تشکیل جلسه داد و بنی‌صدر را به عنوان متخلف از قانون اساسی معرفی نمود. طولی نکشید که امام (ره) نیز وی را از فرماندهی کل قوا عزل کرد و به دنبال این اقدام، مجلس شورای اسلامی طرح عدم کفایت سیاسی رئیس‌جمهور را تصویب و به اطلاع امام (ره) رساند.

در طول سال ۱۳۵۹ دو اتفاق مهم توجه مردم و نیروهای دلسوز ایران انقلابی را به ماهیت منافق و خائن بنی‌صدر جلب کرد و تقریباً هیچ شک و شبهه‌ای در خیانت وی برای عموم مردم باقی نماند. اول، رفتار زشت و منافقانه او با نخست‌وزیر مورد اعتماد نمایندگان مردم در مجلس شورای اسلامی بود که در مخالفت با وزراء، عدم صدور و ارسال حکم نخست‌وزیری شهید رجایی به مجلس، مخالفت با وزاری پیشنهادی نخست‌وزیر به بهانه‌های بچگانه و حزبی و... بروز و ظهور یافت. دوم، سیاست «زمین بدهیم، زمان بگیریم» بنی‌صدر با آغاز جنگ تحمیلی و تجاوز دشمن یعنی به مردم و خاک ایران که با جلوگیری از مداخله جدی ارتش و ممانعت از تجهیز نیروهای مدافع مردمی و سپاه پاسداران انقلاب اسلامی همراه بود. گرچه این دو اتفاق آخرین بهانه‌ها را از کسانی که هنوز بنی‌صدر را خائن نمی‌دانستند گرفته بود اما بهلول همچنان به دفاع از بنی‌صدر مشغول بود و شهید رجایی و کابینه‌اش و هرکه مخالفتی با بنی‌صدر داشت را می‌کوبید. البته که بنی‌صدر هم کدهای لازم و نام کسانی که باید کوبیده شوند را با استفاده از تریبون‌های متعدد و روزنامه خودش (انقلاب اسلامی) اعلام می‌کرد.

هفته‌نامه بهلول که روزهای یکشنبه منتشر می‌شد، علاوه بر کار ویژه دفاع از بنی‌صدر و کوبیدن مخالفان وی، همچنان به محترمان و گران‌فروشان می‌پرداخت و عمداً اتفاقات غمبار پشت جبهه و خون‌دهای مردم در جبهه‌ها و شهرهای جنگ‌زده، همین‌طور ناامنی ایجادشده توسط گروهک‌های تروریستی و تجزیه‌طلب را نادیده می‌گرفت. تحریریه بهلول، در داخل مرزهای ایران به نخست‌وزیر، حزب جمهوری اسلامی، مجلس شورای اسلامی و قوه قضائیه حمله می‌کرد و در بیرون از مرزها، شخص صدام تکریتی و آمریکا و شوروی را با متلک می‌نواخت. در آن میان جاهای خالی مجله را نیز با نیش و کنایه به محترمان و گران‌فروشان و آگهی‌های تجاری برای همان محترمان و گران‌فروشان و مرفهان بالاشهرتین پر می‌کرد.

در اردیبهشت سال ۱۳۶۰ به دنبال شدت گرفتن اختلافات



بنی‌صدر اجازه پیشنهاد دو وزیر امور خارجه و دفاع را به نخست‌وزیر نمی‌داد. دو وزیر که با توجه به تسخیر لانه جاسوسی آمریکا و ماه‌های آغازین جنگ تحمیلی اتفاقاً حضورشان نیاز اصلی آن روزهای کشور بود، طرح پشت جلد بهلول در ۲۲ دی ماه ۱۳۵۹ نخست‌وزیر را در فقدان این دو وزیر، مقصر جلوه می‌دهد.

